

فهرست کلی مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: (کلیات)	1
1-1 مقدمه	2
1-2 بیان مسئله	5
1-3 اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق	12
1-4 سؤالهای تحقیق	14
1-5 اهداف تحقیق	14
1-6 روش تحقیق	15
1-7 پیشینه تحقیق	17
1-8 تعریف مفاهیم	23
فصل دوم: عدالت اجتماعی از نظر استاد مطهری	31
2-1 تعریف عدل	32
2-1-1 مقدمه	32
2-1-2 معنی عدل طبق اسلام و آیات قرآن از دیدگاه استاد مطهری	33
2-1-3 معنی عدل در حدیث نبوی و از حضرت علی (ع)	38
2-1-4 معنای چهار گانه عدل از دیدگاه استاد مطهری	41
2-1-5 تعریف عدل الهی و مشخصات آن	44
2-2 مفهوم عدالت اجتماعی از نظر استاد مطهری	51
2-2-1 تعریف عدالت اجتماعی و مشخصات آن	51
2-2-2 رابطه عدل الهی و عدالت اجتماعی	65
2-2-3 تفاوت عدل با مفاهیم مشابه آن از دیدگاه استاد مطهری	70
2-3 تعریف جامعه از دیدگاه استاد مطهری	73
2-3-1 تعریف جامعه و اجتماعی بودن انسان	74
2-3-2 رویکرد استاد مطهری به جامعه	76
2-4 جامعه و عدالت اجتماعی	80

82	1-4-2 رابطه جامعه و عدالت اجتماعی از دیدگاه استاد مطهری
83	2-4-2 جامعه عادل و متعادل
85	2-5 تحقق عدالت اجتماعی
85	1-5-2 تحقق عدالت اجتماعی در جامعه از دیدگاه استاد مطهری
86	2-5-2 تحقق عدالت اجتماعی به استناد آیات و روایات
88	3-5-2 تئوری استاد مطهری به جامعه
90	2-6 نظر استاد مطهری نسبت به تئوریهای عصرش (پاسخ به شبهات).....
90	1-6-2 اختلاف و تفاوت‌های موجود میان اجتماعات انسانی
91	2-6-2 دیدگاه استاد مطهری به تز «کار به قدر استعداد و مخارج به قدر احتیاج»
93	جمع‌بندی فصل
97	فصل سوم: عدالت اجتماعی از نظر دکتر شریعتی
98	3-1 تعریف عدل
98	1-1-3 مقدمه
100	2-1-3 معنی عدل طبق اسلام، آیات قرآنی و شیعه
104	3-1-3 عدل پیامبر و علی (ع)
108	3-2 مفهوم عدالت اجتماعی از نظر دکتر شریعتی.....
108	1-2-3 معنای عدل
109	2-2-3 معنای عدالت
111	3-2-3 عدل اسلام (خداوندی) و ویژگیهایش
113	4-2-3 عدالت اسلامی
114	5-2-3 تفاوت عدل با مفاهیم مشابه آن از دیدگاه دکتر شریعتی
119	3-3 تعریف جامعه از دیدگاه دکتر شریعتی.....
119	1-3-3 تعریف جامعه
120	2-3-3 اجتماعی بودن انسان
122	3-3-3 رویکرد دکتر شریعتی نسبت به جامعه
125	3-4 جامعه و عدالت اجتماعی.....
126	1-4-3 رابطه جامعه و عدالت اجتماعی از دیدگاه دکتر شریعتی

128	3-4-2 جامعه عادلانه
130	3-4-3 جامعه نامتعادل
131	3-5 تحقق عدالت اجتماعی.....
131	3-5-1 تحقق عدالت اجتماعی در جامعه از دیدگاه دکتر شریعتی
134	3-5-2 تحقق عدالت اجتماعی به استناد آیات
136	3-5-3 تئوری دکتر شریعتی نسبت به جامعه
139	3-6 نظر دکتر شریعتی به تئوریهای عصرش (پاسخ به شبهات).....
142	3-6-1 نظر دکتر شریعتی به تئوری سوسیالیسم
144	3-6-2 نظر دکتر شریعتی به تئوری مارکسیسم
147	جمعبندی فصل
152	فصل چهارم: مقایسه دیدگاههای دکتر شریعتی و استاد مطهری
154	4-1 مفهوم عدالت اجتماعی در دیدگاههای دکتر شریعتی و استاد مطهری
154	4-2 شأن و جایگاه عدالت اجتماعی نزد و متفکر
159	4-3 اصل عدل در دین از منظر استاد مطهری و دکتر شریعتی
164	4-4 تشابه و تفاوت دیدگاه استاد مطهری و دکتر شریعتی درباره عدالت اجتماعی
169	4-5 جمعبندی فصل
175	فهرست منابع و مآخذ کلی.....



1-1 مقدمه

«عدالت» یک تکلیف الهی و اصل محبوب مطابق با خواست و فطرت انسان و موجب تعالی بشر در حوزه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی بوده است و جامعه بشری هم از ابتدا تا حال آرزوی روزی را داشته و دارد که در آن روز ظلم، تبعیض و بی عدالتی در تمام چهره و ابعادش نابود شود و نسیم ملایم عدالت و برابری در تمام زوایای زندگی انسانهای دردمند و رنجیده نفوذ کند و دردهای کهنه و قدیمی بشر را با داروی شفابخش عدالت و برابری، مرهم نهاده و التیام بخشد.

اصل ارزشمند عدالت اجتماعی جایگاه بلندی در تاریخ و تمدن جهانی و اسلامی دارد و درخت تناوری است که ریشه های آن با قطره قطره خون بهترین فرزنانگان تاریخ آبیاری شده و برای طراوت و شادابی هر برگ زرین آن، هزاران لاله از لاله های بوستان انسانیت پرپر شده است.

در جهان بینی اسلامی، عدالت بر خواسته از عدل کلی است که بر همه چیز حاکم است و طبق آن، وجود بر قامت هستی شده: «و السماء رفعها و وضع المیزان» و «بالعدل قامت السموات و الارض» و نظام دین نه تنها بر اساس آن انتظام یافته که عدالت، معیار و مقیاس همه چیز است. و در واقع اهمیتش آنقدر زیاد است که یکی از اصول پنجگانه دین اسلام می باشد.

با مطالعه در دین مبین اسلام، دیده می شود که عدالت اجتماعی برای پاسخگویی به نیاز مردم جایگاه رفیعی دارد که از آیات قرآنی به این امر می توان پی برد. در آیه 25 سوره حدید آمده است که:

«لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»

یعنی اینکه ما رسولان خویش را با دلیل آشکار فرستادیم و با آنان کتاب و میزان همراه ساختیم تا مردم به

قسط و عدل قیام کنند.

از مفاد این آیه می توان فهمید که پیامبران الهی زمینه ساز عدالت گستره بوده اند و ابزار مورد نیاز که کتاب و قانون است با خود آورده اند.

به همین ترتیب در میان ائمه معصوم بحث گسترش عدالت و عادلانه بودن تداوم یافته و همانطور که همه می دانیم حضرت علی (ع) بعنوان اولین امام و دومین معصوم مظهر عدل و عدالت خواهی است. و همینطور تا امام مهدی عج که امروز جهان در انتظار ظهور و حکومت عدل او می باشد.

کتاب تفسیری نیز در تفسیر کلمات کتاب، میزان و قسط، این مطلب را تأیید می کنند. مرحوم شیخ الطائفه طوسی در تفسیر تبیان، قسط را به معنی عدل و کتاب را جامع آنچه مردم بدان نیاز دارند معنا کرده است. یا اینکه مرحوم فخررازی در تفسیر کبیر خود چنین آورده است: میزان آن چیزی است که تمیز می دهد بین ظلم و عدل و بین زیاد و کمبود و نقصان، یا در جای دیگر گفته است: قسط به معنای انصاف یعنی اینکه قسط آنست که سهم دیگری را آنگونه که سهم خویش می گیری عطا کنی و عادل مقسط است. قرآن می فرماید: خدا مقسطین را دوست دارد. (میزان الحکمه حدیث 11683)

از مجموع مطالب تفسیری به این نتیجه می رسیم که عدالت گستره از اهداف پیامبران و اولیاء شمرده شده است که طبق آیات قرآنی ذکر شد. پس خداوند با فرستادن کتاب و میزان به همراه پیامبران زمینه های قیام به عدل و قسط را برای مردم فراهم کرده و باز آیاتی وجود دارد که می توان برای اثبات استدلال بکار گرفت و در آیه 90 سوره نمل آمده است:

«ان الله يأمر بالعدل و الاحسان» یعنی «همانا خداوند سبحانه امر می کند به عدالت گستره و نیکوکاری»

و در آیه 15 سوره شوری آمده است:

«امرت عدل بینکم» یعنی «به عدالت گستره بین شما امر شدم».

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

و البته روایات زیادی نیز به امر عدالت و انصاف در حق دیگران و در اجتماع سفارش کرده اند و اهمیت این امر حیاتی را گوشزد کرده اند. به نمونه ای از این روایات بسنده می‌کنیم «العدل حیاة الاحکام» یعنی «حیات احکام الهی در سایه عدل است». (میران الحکمه حدیث 685)

«ما اوسع العدل ان الناس سیتغنون اذا عدل علیهم» یعنی «عدل چقدر وسیع است، اگر عدالت حاکم باشد مردم بی نیاز می شوند». (میزان الحکمه حدیث 11695)

و در روایات دیگر که عدالت را پایه آبادانی و توسعه گفته‌اند، یا برای اصلاح امور مردم ...

و از آنجا که پیامبران الهی و در تداوم آن ائمه و اولیاء دین برای سعادت دنیا و آخرت مردم مبعوث شده اند و سعادت آنان جز با عدالت در اجتماع تأمین نمی شود پس لازمست که پیامبران و ائمه زمینه های لازم برای تحقق عدالت را فراهم سازند و بدیهی است که مراد از عدالت همه ابعاد آنست یعنی عدالت فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... برای پیاده کردن عدالت در اجتماع نیاز به فضایی است که در آن قانون الهی اجرا شود.

در یک جمع بندی کلی می توان گفت که احکام الهی و اجرا کننده های آن یعنی پیامبر، ائمه معصوم، اولیاء و حاکمان اسلامی همه در پی اجرای عدالت اجتماعی بوده و هستند که البته شرایط محیطی و زمانی شان با هم متفاوت بوده ولی هدف یکی، یعنی جامعه عدالت گستر، بوده است.

2-1 بیان مسئله

انسان موجودی اجتماعی است و بر اساس این آفرینش نیاز به زندگی اجتماعی در او هویدا است. انسانها در زندگی اجتماعی خود نیازهای متقابل به یکدیگر دارند و همواره در پی این امر هستند که به مطلوب خود برسند. مطلوبهایی چون آرامش، رفاه، امنیت، و از جمله عدل و عدالت و مبارزه با ظلم و ستیز، که برای رویایی با ظلم و بیداد بدنبال دستیابی به عدالتند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

بشر همواره از نظام تبعیض در رنج بوده و خاطره تلخ تاریخ «استکبار و استضعاف» هیولایی از وحشت و نفرت و اسارت فراروی وی مجسم ساخته است. به گونه ای که تصور می شود این پدیده شوم با تاریخ حیات انسان زاده شده و با توسعه نسل ها و گسترش تمدنها رشد یافته و ابعاد گسترده تری گرفته است و امروزه نیز برتر از هر زمان دیگر به شیوه ای مدرن و با ساز و برگ فناوری و در سایه علم و فرهنگ چهره نموده و بعنوان یک بلای عمومی دامنگیر انسانها شده است.

«عدالت مفهومی است که بشر از آغاز تمدن خود می شناخته و برای استقرار آن کوشیده است و مثل آزادی قرین و همزاد آدمی است. عدالت از اهداف کاروان بشریت بوده است. تبعیض و فقر و فاصله عمیق طبقاتی چندان دهشناک و ظالمانه است که خیل عظیمی از مردم آن را مطمح نظر قرار دادند و آن را ضامن سعادت شمرده و برای تحقق آن کوشیدند» (اخوان کاظمی، 1382، ص 11)

«عدالت در مفهوم کلی اش برابری مطلق نیست از قضا برابری مطلق، ظلم است زیرا لازمه آن برابر کردن انسانهای نا برابر است و نادیده گرفتن استعدادها و تواناییها و تلاشها» (افشون، آئینه گفتگو، شماره 2)

عدالت اجتماعی هم بعنوان یکی از ابعاد عدالت کلی، عبارت است از ایجاد فرصتهای برابر و رفع موانع به طور مساوی برای همه آمار جامعه.

عدالت اجتماعی، در طول تاریخ بشر همواره مورد بحث و گفتگوی فلاسفه، جامعه شناسان و مصلحان اجتماعی بوده و هریک به نوعی از مدینه فاضله انسانی سخن گفته اند.

همانطور که گفتیم توجه به نابرابریهای اجتماعی و طرح مسئله عدالت اجتماعی و برابری از دیرباز میان متفکران رایج بوده است.

یکی از فلاسفه اسلامی ابونصر فارابی بوده که عدالت در دیدگاه او را بیان می کنیم. وی که در حقیقت نخستین اندیشمند بزرگ دوره اسلامی است، گرچه از افلاطون و ارسطو مطالب زیادی اخذ کرد، ولی شخصیت خود را نیز محفوظ داشت.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

عدالت در اندیشه فارابی از مفاهیم کلیدی است و در محتوایی بسیار متنوع تر و گسترده تر از افلاطون طرح می شود. (ناظرزاده کرمانی، 1376، ص 313). برخی مانند ولاستوس گفته‌اند:

«عدالت افلاطونی به جای اینکه در رابطه انسان با دیگر انسان ها مطرح شود، مسئله ای فردی است و

افلاطون در تعریف عدالت از این پیش تر نمی رود» (به نقل از 71 . Vlastos, 1971, P

به نظر فارابی، عدالت برترین فضیلتی است که بشر تلاش می کند آن را بارور کند و پایه و اساسی است که

نظم بر آن استوار است (Khaduri, 1984, p. 85-86)

در میان آثار فارابی در سه کتاب السیاسه المدینه، آراء اهل المدینه الفاضله، والفصول المدنی، بیشتر به بحث

عدالت پرداخته شده است. این آثار که در اواخر حیات او نوشته شده می توانند منعکس کننده اندیشه تکامل

یافته او در بحث مورد نقل تلقی شود. از اینها می توان نتیجه گرفت که عدالت فارابی، عدالت عقلی است که با

دین هماهنگ بوده است.

اما معانی مختلفی که عدالت در اندیشه فارابی داشته است به اختصار چنین بوده است:

الف) عدالت، خصیصه ماهوی نظم حاکم در کائنات: عدل بر عالم حاکم است، بنابراین چون مدینه هم

بایستی مطابق و متناسب با نظم کائنات باشد مکان هر فردی در آن لازم است مطابق عدالت باشد (اخوان کاظمی

، منبع پیشین، ص 180)

ب) عدالت به معنای ایفای اهمیت و استعدادها و رعایت استحقاق ها و سلسله مراتب، و عدم ترادف با

برابری مطلق. «عدل اینست که به هریک از ماده و صورت اهمیت و استعدادش [برای فعالیت و کمال] داده

شود. (فارابی ، 1959، ص 67) فارابی در این مفهوم، عدل را با حق در معانی وجودی، پیوند می دهد.

ج) عدالت، فضیلت و ملکه اخلاقی در فرد، در جهت عمل به فضائل اخلاقی نسبت به سایرین. یعنی

عدالت، ملکه اخلاقی است که انسان ها را وادار به انجام فضائل و اتصاف به آنها می کند. (فارابی ،

1961، ص 144)

د) عدالت و نظریه اعتدال و ملکات متوسطه: از نظر فارابی، عمل صالح عملی است که در حد اعتدال باشد، یعنی در همه امور باید اعتدال رعایت شود. (الفاروخی، 1385، ص 433)

و) عدالت در مدینه، به معنی تقسیم مساوی خیرات مشترک عمومی:

عدالت یعنی: تقسیم خیرات و خوبی هایی که میان اهل مدینه مشترک است (و متعلق به همه باشد) میان همه آنها. (فارابی، منبع پیشین، ص 142-141)

ی) عدالت، هدف قوانین مدینه: عدالت او حامل امنیت هست که توسط قانون تأمین می شود. (ناظرزاده کرمانی، منبع پیشین، ص 316)

دومین اندیشمند اسلامی، شیخ الرئیس بوعلی سینا بوده که عدالت در اندیشه‌ی او چنین است:

وی به تعاریفی از عدالت از جمله اعطاء کل دی حق حقه و وضع کل شیء فی موضعه اعتقاد داشته است و عدالت را به معنای برابری مطلق نمی داند. ابن سینا به جای برابری مطلق و تغالب، به تفاوت و تعاون در بین انسانها اعتقاد دارد. برخی اندیشمندان مانند خدوری، عدالت مورد ادعای شیخ الرئیس را "عدالت عقلی بعنوان تجلی و تعبیری از افراد قرار دارد اجتماعی" (Khaduri, optic, p.88) عنوان کرده‌اند. (اخوان کاظمی، منبع پیشین، ص 208)

به نظر بوعلی سینا، برابری مطلق، محل عدالت و نظم اجتماعی و باعث نیستی و رواج سلطه طلبی و تغلب و جدال و تجاوز در جامعه می شود. مدینه عادلانه سینایی، مبتنی بر تفاوت و تعاون، طبقات و جایگاه و مناصب افراد بر حسب شایستگی ها و استحقاق ها و قابلیت های متفاوت آن ها، تعیین می شود. (همان منبع، 211 و 213)

اما سومین متفکر اسلامی که دیدگاه خود را در باب عدالت بیان نموده و در ذیل خواهد آمد، خواجه نصیرالدین طوسی بوده است:

خواجه برای عدالت ریشه الهی بیان می کند و معتقد است که عادل اصلی ذات الهی است و ضرورت دارد همه در عدالت به عدل وی تأسی نمایند. خواجه مانند فارابی و سایر فلاسفه اسلامی، عدالت و اعتدال الهی، و خصیصه ماهوی نظم کائنات و شرط و اساس آفرینش آن ها می داند. نظریات خواجه در بحث عدالت به طور عمده ریشه قرآنی و اسلامی دارد. وی نیز عدالت را اعطاء کل ذی حق حقه، وضع کل شیء فی موضعه اعتقاد داشته و تساوی و رفع تبعیض در به معنای زمینه استحقاق های مساوی را بارز برابری مطلق، لازم می دانسته است. (همان منبع، ص 227 و 225 و 224)

در جایی دیگر خواجه نصیر معنی عدالت را، تقسیم خیرات مشترک عمومی بیان می کند، و به نظرش عدالت آن است که هر صنفی از جایگاه مستحق خود منحرف نشود، به دنبال غلبه بر صنفهای دیگر نباشد، چون این امر منجر به انحراف مزاج از اعتدال و فساد امور اجتماعی می شود. (طوسی، 1373، ص 305)

در مجموع خواجه نصیرطوسی در معنای عدالت خیلی شبیه به فارابی است و دیدگاه های بسیار نزدیک به هم دارند.

از متفکران عصر حاضر اسلامی نیز اشخاصی همچون دکتر شریعتی و استاد مطهری در زمینه عدالت اجتماعی بسیار سخن گفته اند که در این پژوهش به بررسی نظرات ایشان خواهیم پرداخت.

اما نه تنها اندیشمندان اسلامی از دیرباز به بحث عدالت اجتماعی پرداخته اند بلکه متفکرین غربی نیز از گذشته های دور به این امر توجه داشته اند که در ذیل دیدگاه های آنان را مطرح خواهیم کرد.

در مورد اصطلاح عدالت اجتماعی که از قرن نوزدهم در غرب رایج شده، و در بین مسلمانان نیز رایج بوده و هست و امروزه در جامعه ما بسیار مطرح می شود، باید گفت، این اصطلاح ظاهراً اولین بار توسط جامعه شناسان در نیمه قرن نوزدهم مورد استفاده قرار گرفت. اما رواج بلامنازع آن به طور یقین در قرن بیستم جامعه عمل پوشید. منظور علمای جامعه شناسی از عدالت اجتماعی اینست که تمام قواعد حاکم بر افراد را باید در

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

وجدان عمومی جستجو کرد و مبنای قواعد حقوقی باید عدالت اجتماعی باشد. از رعایت تناسب بین حقوق فردی و منافع عمومی است که عدالت اجتماعی به معنای واقعی خود تأمین می شود.

افلاطون به عنوان اولین متفکر غرب در گذشته از جامعه ای به شدت فشربندی شده سخن می گوید و الحای کامل مالکیت خصوصی و تأمین برابری فرصتها را از وظایف اساسی زمامداران جامعه می داند. (اسفندیاری، نواندیشی دینی، شماره اول). ارسطو نیز مردم هر کشور را به سه گروه طبقه توانگر، فقیر و متوسط تقسیم می کرد و به تمجید و ستایش از طبقه متوسط می پرداخت. (ساروخانی، 1375، ص 308).

همچنین سنت آگوستین از عادلانه بودن فقر و تهیدستی دم می زد و فقر عادلانه را جزئی از نظم امور عالم می انگاشت. (غی، اثوند، نواندیشی دینی، شماره اول). فلاسفه اجتماعی نیز از قبیل جان لاک، ادموند برک، جرمی بنتام و ژان ژاک روسو به منشاء طبقات اجتماعی می پرداختند و ریشه نابرابریهای اجتماعی را یا ذاتی یا اکتسابی و یا ترکیبی از آن دو، می دانستند و به حکومتی که این مشکلات را از بین برده بود، ایده آل می گفتند. (عمی، د، 1351، ص 410)

کارل مارکس نیز، تاریخ هر جامعه ای را مبارزه طبقات آن می دانست و بر این عقیده بود که سرانجام، مبارزه شدید بین کسانی که مالک ابزار تولید هستند و کسانی که فاقد آنند، با برکناری استثمارگران حاکم و تأسیس جامعه انسانی و آزاد پایان خواهد یافت. کانت نیز معتقد است که اگر عدالت نباشد، زندگی به زحمتش نمی ارزد. (کی، لکولن، نو اندیشی دینی، شماره اول)

همانطور که قبلاً بیان کردیم از جمله اندیشمندان معاصر اسلامی که در زمان اخیر به مبحث عدالت اجتماعی پرداخته اند و نمی توان از آنها چشم پوشی کرد، دکتر علی شریعتی و استاد شهید مرتضی مطهری می باشند. این دو به مسئله عدالت اجتماعی پرداخته اند و لی هر یک با ایده و اندیشه خود. حال در این پایان نامه و پژوهش قرار است که به مفهوم عدالت اجتماعی از دیدگاه هر یک از این دو اندیشمند پی برده و بعبارتی دریابیم که مفهوم عدالت در اندیشه ایشان چیست؟ که اینکار خود نیاز به بررسی، تحقیق و مطالعه دارد. و از

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

آنجایی که بررسی و مطالعات تطبیقی یکی از کارآمدترین شیوه‌ها و روشها در شناخت و فهم مطالب است و همچنین روشی بسیار سودمند و مفید می باشد لذا به بررسی تطبیقی دیدگاههای استاد مطهری و دکتر شریعتی درباره عدالت اجتماعی خواهیم پرداخت و در صدد پاسخگویی به سوال اصلی این تحقیق، یعنی دیدگاه استاد مطهری و دکتر شریعتی درباره مفهوم عدالت اجتماعی چیست؟ می باشیم.

3-1 اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق

در مورد اهمیت موضوع تحقیق حاضر دو نکته مد نظر است. یکی اهمیت مسئله عدالت اجتماعی و نیاز جامعه به این امر و حیاتی اجتماعی می باشد. و نکته دوم اهمیت موضوع اینست که با توجه به گذشت بیش از دو دهه از انقلاب اسلامی هنوز تحقیق جدی از دیدگاه اندیشمندان مختلف مسلمان و ایرانی در این زمینه صورت نگرفته است. از جمله متفکر مسلمان ایرانی استاد مطهری و دکتر شریعتی هستند که از زمره اندیشمندان مذکور خارج نیستند. بنابراین اگر دو نکته را با هم جمع کنیم اهمیت کلی موضوع تحقیق حاضر معلوم می شود و در پی این اهمیت، ضرورت تحقیق روشن.

اما در مورد متفکران که گفته شد، باید گفت که تحقیق مستقل و حتی مقایسه ای درباره دیدگاه هایشان صورت نگرفته است، و بیشتر بحثهایی که در باره آنها بوده بیشتر از نوع حرفهای کلی بوده است و کسانی که در این زمینه سخن گفته اند و می گویند و می نویسند فقط به ذکر این نکات بسنده می کنند که شریعتی تفکر جامعه شناختی داشت و استاد مطهری تفکر فلسفی. یا اینکه استاد مطهری و دکتر شریعتی از احیاگران دینی معاصرند و یا به اشتباهاتی از دکتر شریعتی، اگر وجود داشته، اشاره کرده و تاکید بر این نکته دارند که دکتر شریعتی هر چند اشتباهاتی دارند ولی خود ایشان وصیت کرده بود که بعد از وفاتشان افکار و آثارش بوسیله برخی از صاحب نظران اسلامی تنقیح و تصحیح گردد و یا اینکه گفته می شود که دکتر شریعتی به توانا کردن دین بیشتر می اندیشید و استاد مطهری خلوص دین را بیشتر مدنظر داشته است. اما بدون هیچ گفتگویی، نکات

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

مذکور درست بوده و هست ولی کلی و غیر دقیق و برای شناخت دقیق تر افکار و آثار دو متفکر و همچنین مقایسه دیدگاههایشان درباره یک مقوله خاص مثلاً عدالت اجتماعی باید از این بحث کلی پارا فراتر گذاشت. درست چیزی که جامعه ما امروزه بدان نیازمندست. اگر قرار است در جامعه عدالت برقرار گردد در جامعه عدالت برپا گردد ابتدا باید عدالت شناخته شود و چه بهتر از آنکه از دیدگاه اندیشمندان اسلامی و آنهم ایرانی باشد. متفکرانی همچون شریعتی و مطهری که چهره های سرشناس هستند. پس لازمست که هم برای شناخت مفهوم عدالت و هم شناخت دیدگاههای متفکران خودی به پژوهشهایی در این زمینه پرداخت.

4-1 سوالات تحقیق

سوال اصلی تحقیق: دیدگاه استاد مطهری و دکتر شریعتی درباره عدالت اجتماعی چیست؟
سوالات فرعی:

- 1- نقاط اشتراک دیدگاه استاد مطهری و دکتر شریعتی درباره عدالت اجتماعی چیست؟
- 2- نقاط افتراق دیدگاه استاد مطهری و دکتر شریعتی درباره عدالت اجتماعی چیست؟

5-1 اهداف تحقیق

در بیان اهداف تحقیق مذکور به چند نکته می توان اشاره نمود:

اول، ارج نهادن و حرمت قائل شدن برای دسته ای از متفکران و اندیشمندان خودی است که در زمینه های اجتماعی و فرهنگی به فعالیت پرداخته اند که استاد مطهری و دکتر شریعتی از چهره های برجسته این متفکران به حساب می آیند.

دوم، توجه به تحقیقات نظری و تئوریک است و تأکید بر این نکته که داشتن جامعه شناسی مستقل و غیر تقلیدی تنها از تحقیقات فکری امکانپذیر است و هرچند جامعه شناسی کمی و کاربردی و به اصطلاح میدانی

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

در جای خود بجاست ولی واقعیت اینست که بدون انجام تحقیقات نظری و بدون داشتن تحرک فکری در عرصه جامعه شناسی نمی توان به رشد و توسعه جامعه شناسی در این کشور دل بست و در حقیقت استاد مطهری و دکتر شریعتی از شایسته ترین افراد برای آموزش و پرورش در این قلمرو محسوب می شوند و به بیان دقیق تر آثار ایشان به منزله سنت فکری هستند که با تکیه بر آن می توان حتی به مرحله نظریه پردازی رسید پس با توجه به اینهمه اهمیت تحقیق و پژوهش فکری و نظری، هدفی دیگر از اهداف تحقیق مشخص می گردد.

هدف دیگر این پژوهش، هدفی علمی است، چرا که کاری است در جهت تبیین رأی دو متفکر اسلامی و ایرانی در خصوص عدالت اجتماعی که امروزه در جوامع توسعه نیافته امر رایجی است. نشر صدها جلد کتاب و رساله درباره مارکس، ماکس، پارسونز، میلز، مارکوزه و غیره و بررسی وجه اشتراک و افتراق آنها. و بی شک برای رسیدن به توسعه علمی چاره ای جز این سنت، نیست که پژوهشگر نیز با مقایسه میان آراء متفکران مورد نظر یعنی استاد مطهری و دکتر شریعتی سعی بر انجام این شیوه داشته است.

و در نهایت هم این تحقیق در جهت روشن شدن آراء واقعی این دو شخصیت بزرگ اسلامی در باب عدالت اجتماعی می باشد تا بتوان به تحلیلها و شناخت بی طرفانه علمی به جای تحلیلهای غیر علمی که سد راه پیشرفت علمی و فکری در جامعه علمی می شوند دست یافت.

6-1 روش تحقیق

شیوه های تحقیقی که برای پژوهشهای مختلف استفاده می شود بسته به اهداف و ضرورت موضوع پژوهش باهم متفاوتند. شیوه ها (روشها) چند نوع هستند. روش های مستقیم و غیر مستقیم. که هر کدام کاربردهای مختلف دارند. اما آنچه که در روش تحقیق اهمیت خاص خود را دارد، مقایسه می باشد که در این تحقیق به شیوه مقایسه تطبیقی بکارگرفته شده است و بسیار متناسب با اهداف این تحقیق است.

بررسی ها و مطالعات تطبیقی یکی از کارآمدترین روشها در شناخت و فهم است و مواردی نظیر این بررسی این شیوه از دو جهت سودمند و مفید است، یکی اینکه کمک می کند تا دیدگاه

های هریک از طرفین مقایسه به خوبی و صرف نظر از نتیجه یا هدفی که تطبیق مد نظر دارد، شناخته و فهم شود. در یک بررسی تطبیقی در بسیاری از موارد و جوهی از تفکرات و دیدگاههای طرفین درک و فهم می شود که در غیر این صورت دستیابی بدان اگر غیر ممکن نباشد، بسیار مشکل و بعیدالحصول است. اما از طرف دیگر مطالعات و بررسی های تطبیقی در مواردی که هدف ارزیابی و سنجش دیدگاهها و یا تلاش برای تکمیل و جبران نقصها و کاستیهای نظرات طرفین مقایسه می باشد، تنها راه است. اینکار، این امکان را فراهم می کند که در نهایت بتوان تکمیلی کاملتر و نظامی جامعتر از دیدگاهها و نظرات هر یک از طرفین مورد مقایسه فراهم کرد. حال در این پژوهش هر دو هدف مورد نظر است. (زکریایی، 1374، ص 65)

بنابراین پژوهشگر با گردآوری اطلاعات بصورت مطالعه اکتشافی یعنی با استفاده از منابع کتابخانه ای مثل کتب، مقالات، روزنامه ها، رساله ها و ... اطلاعات را به شیوه فیش برداری جمع آوری کرده و آنگاه آنها را مورد استفاده قرار داده است.

این پژوهش با توجه به آنچه گفته شد حول چهار فصل سازماندهی دشده است. در فصل اول: کلیات تحقیق بیان شده است، یعنی شامل مقدمه، بیان مسئله، اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق، سوالها، اهداف، روش و پیشینه تحقیق و تعریف مفاهیم می باشد.

در فصل دوم به دیدگاههای استاد شهید مرتضی مطهری در زمینه عدالت اجتماعی به طور کلی پرداخته شده است.

در فصل سوم به دیدگاههای مرحوم دکتر علی شریعتی در زمینه عدالت اجتماعی به طور کلی پرداخته شده است.

و در فصل چهارم به مقایسه میان دیدگاههای این دو متفکر در زمینه عدالت اجتماعی پرداخته شده و در نهایت نتیجه گیری کل تحقیق را با استفاده از مقایسه تطبیقی بیان کرده ایم.

7-1 پیشینه تحقیق

در گذشته و حال آثار متعددی در زمینه عدل و عدالت در حوزه های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... نگاشته شده و پژوهشهای مختلفی نیز صورت گرفته است. از مجموعه نوشته هایی که در مورد عدالت اجتماعی وجود دارد هیچکدام به طور مستقیم به موضوع ارتباطی ندارد اما نوشته هایی هست که در حوزه کلی بحث قابل طرح است از این میان به دو مورد از مهمترین آنها اشاره می شود.

بدیهی است که این تألیف ها و پژوهشها به معنای عدالت اجتماعی اشاره هایی دارند ولی بعضاً فاقد مباحث تفکیکی دسته بندی شده در این زمینه اند. البته متفکران اسلامی نیز به این امر پرداخته اند. از جمله آثاری که در زمینه عدالت کار شده است پژوهشی است با عنوان «عدالت در اندیشه های سیاسی اسلامی» تألیف دکتر بهرام اخوان کاظمی است که در سال 82 به صورت کتاب منتشر شده است.

ایشان در کتاب خود ابتدائاً به مفهوم عدل و عدالت پرداخته و با طرح سوال اصلی پژوهش، گستره تحقیقاتی خود را مشخص نموده اند. سوال اصلی این پژوهش این بود که «چرا با وجود اینهمه توصیه در منابع اندیشه اسلامی به عدالت، شاهد ظهور نظام عادلانه نبوده ایم. یا با توجه به تعاریف مختلفی از عدالت سوال خود را کاملتر بیان کرده اند که «ایا بین میزان خودکامگی در نظام های سیاسی اسلامی، و رکود عملی و ناکارآمدی نظریات عدالت و سیر قهقرایی عینی آن از آرمان گرایی به واقع گرایی رابطه ای وجود دارد؟»

دکتر کاظمی با طرح چنین سوالی در واقع در پی معنی شفاف از عدالت بوده اند. وی پس از بیان سوال و فرضیه اصلی خود محدوده کار مطالعاتی خود را از آغاز پیدایش اسلام تا زمان حاضر به طور خاص تا اوایل قرن چهارم هجری یعنی تقریباً مصادف با انقلاب مشروطیت ایران معرفی می کند و در واقع در جستجوی معانی عدالت در این دوره است.

اما روشی که در این تحقیق در پیش گرفته اند:

دکتر کاظمی در استنباط تعریف و معانی عدالت از منابع اصیل اسلامی قرآن و سنت تا حد مقدور از روش نظری استفاده کرده اند و در سایر مباحث از روش تحلیلی — تاریخی بهره جستته اند. در این شیوه، مطالعه تحولات مفهوم عدالت، در بستر زمان از دیدگاه متفکران مسلمان سنجش و ارزیابی و نقد می شود و مقوله عدالت از نظر میزان اثر پذیری و اثرگذاری در برابر علل و عوامل تاریخی، و به عنوان معلول و یا علت حوادث و پدیده های سیاسی تاریخی بررسی می شود.

ایشان در نگارش این رساله، علاوه بر استفاده از منابع موجود در کتاب خانه ها و پژوهشگاههای داخلی، به طور غیر حضوری از کتابخانه ها و منابع موجود در کشور فرانسه، و به طور حضوری از کتابخانه های کشور سوریه - بخصوص کتابخانه حافظ اسد - نیز استفاده شده است.

تحقیق مذکور شامل هفت گفتار است:

گفتار اول شامل بحث لغوی و مفهومی عدالت و تعاریف و دیدگاهها در اسلام می باشد. گفتار دوم شامل بحث عدالت در قرآن و سنت نبوی بوده است. در گفتار سوم، عدالت در اندیشه سیاسی امام علی(ع) را طرح کرده است. گفتار چهارم در بیان عدالت در کلام دینی و سیاسی و فرقه های آن یعنی شیعه، اشاعره، معتزله و ... بوده است. در گفتار پنجم بحث از عدالت در فلسفه افلاطون و ارسطو بوده و در گفتار ششم عدالت را در نحله های مختلف اندیشه های سیاسی اسلامی بررسی نموده، مثل عدالت در فلسفه فارابی، بوعلی، خواجه نصیر و ...

و در نهایت در گفتار هفتم و آخرین به استنتاج و نتیجه گیری رساله پرداخته است.

دکتر بهرام اخوان کاظمی با مطالعه ای گسترده و کامل، تمام گفتارهای مذکور را به طور مفصل شرح داده و در پایان استنتاج نهایی خود را چنین بیان کرده است:

در استنتاج نهایی باید گفت که عمده ترین مانع تحقیق عدالت — اعم از سیاسی، اجتماعی و ... خود کامگی بوده و هست و عمده ترین عامل تحقق این مفهوم، مبارزه با خودکامگی و کنترل و محو آن می باشد؛

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

اماتجربه و تاریخ نظام ها و اندیشه های سیاسی - اعم از غرب و اسلام - نشان می دهد که شرط کردن صرف عدالت جهت زمامدار به تنهایی جهت کنترل - درونی و بیرونی - و تجدید خودکامگی کفایت نمی کند و آنچه تا بحال به سر اصل عدالت آمده، نتیجه همین تفکر است. بنابراین بسیار ضروری است که در کنار شرط کردن عدالت جهت رهبری جامعه اسلامی، مکانیزمهای نظارتی و نهادی نه دیگری تمهید و تأسیس شود تا با نظارت بر عملکرد رهبران و کارگزاران سیاسی، زمینه هر گونه بی عدالتی و خودکامگی را شناسایی کنند و تذکر دهد و در صورت سلب عدالت و جایگزینی آن با خودکامگی، موجبات عزل آنها را فراهم آورند. به این ترتیب ضروری است نظریه های ارگانیکی عدالت، بیشتر ماهیت مکانیکی یابند و به جای صرف شرط قرار دادن عدالت برای حاکم اسلامی، در پی تأسیس نهادهای عادل و «راستکار» باشند. وجود نهادهای نظارتی مزبور باعث خواهد شد که ابزار مخالفت با خودکامگی، در شکل نهایی آن یعنی قیام و شورش و براندازی متجلی نشود و اصلاحات به صورت آرام میسر شود و ثابت سیاسی نظام محفوظ بماند.

مسلم است که با حذف و طرد خودکامگی در نظام سیاسی، موجبات تحقق شرع و به تبع آن کاربرد و تحقق عدالت در تمام ابعاد آن میسر خواهد شد و در یک جمله عینیت بخشیدن به اوامر و نواهی الهی و خواست شارع مقدس، خواه ناخواه نقش مؤثر در تحقق عدالت و در نتیجه فعلیت یافتن توانمندیها و استعدادهای افراد و جوامع بشری خواهد داشت و آنان را به سعادت الهی و واقعی رهنمون خواهد کرد.

تالیف دیگری که باز در باره عدالت مفصلاً بحث کرده است، کتابی است با نام «در هوای حق و عدالت، از حقوق طبیعی تا حقوق بشر اثر محمدعلی موحد» در این کتاب که شامل نه (9) فصل به بحث حق و عدالت توجه بسیار شده است.

در این فصول ابتدا معنای حق را از دیدگاههای مختلف و با معانی متفاوت بیان کرده اند و پس از آن رابطه حق را با عدالت و انصاف بررسی نموده اند، که در اینجا معنای عدالت را از دیدگاه ارسطو، افلاطون، معنای عدالت نزد راغب اصفهانی، رأی اشاعره، متکلمین، فارابی و ... در فصل بعدی برخورد سیاست با دیانت را با

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

لحاظ حق و عدالت مورد نظر قرار داده اند و سپس از حقوق طبیعی تا حقوق بشر را طرح نموده اند. پس از آن وارد مکاتب جدید شده اند و با عنوان عالمی نو و آدمی به بحث مورد نظر یعنی حقوق و برابری پرداخته اند و از نظر مکاتبی چون لیبرالیسم، دموکراسی و در فصلی دیگر نگرش های تازه در بحث عدالت را بیان کرده یعنی عدالت از دیدگاه فقها، ماکس، مارکسیست نوین و انواع عدالت، عدالت توزیعی و تصحیحی، صوری و ماهوی و ... و در نهایت هم به مباحث حقوق بشر و سوء استفاده از حق و قدرت پرداخته و به یک جمع بندی کلی رسیده اند.

آنچه در این کتاب، آقای موحد به بحث عدالت آورده است را می توان به صورت چکیده در ذیل آورد:
ایشان معتقدند:

توجه و تمرکز مباحث حقوق بشر در قرن هجدهم بیش تر بر مفهوم آزادی بود. در قرن نوزدهم نقطه تاکید از آزادی به برابری انتقال یافت و سرانجام در قرن بیستم مفهوم عدالت بود که در محور اصلی این مباحث قرار داشت. عدالت همان معشوقه ازلی است که بشر او را در کسوت حقوق طبیعی و در منطقه ای ورای تمایلات برخاسته از مصلحت های جاری طلب می کند. آدمیان تازیسته اند به عشق عدالت زیسته اند و قوام زندگی با عشق به عدالت است. زادگاه هر دو مفهوم عشق و عدالت رابطه انسان با انسان است و ... و خداوند خود قائم به عدالت است و امر به عدالت می کند. در واقع عدالت پاس داشتن مرزهاست. قانع شدن به حق خویش و تجاوز نکردن به حق دیگری است.

این کتاب نه فلسفه است و نه حقوق و نه فلسفه حقوق؛ گشت و گذاری است در همه این عوالم، بی هیچ ادعایی در هیچ قلمرو خاص. در سرتاسر این سیر و سیاحت نگاهی گذرا نیز به عالم اسلام داشته و به گوشه هایی از آرای متفکران خود پرداخته ایم. در این موارد هیچگاه فرصت آن نبوده است که حق مطلب ادا شود شاید لازم باشد یادآوری شود که نظرها در این مقوله معمولاً از افراط و تفریط خالی نیست. گروهی چنان می پندارند که نیاکان ما در هر زمینه حرف آخر را زده اند و کلید حل همه مسائل را در دست داشته اند و چیز

زیادی برای آیندگان باقی نگذاشته اند. و گروهی دیگر غرب را آفریدگاری می دانند که جهان را از نیست مطلق هست کرده است. هرکجا نوری و شعوری هست پرتوی از خرد غربی است و هرچه جز آن است، تاریکی و بربریت و نادانی است! ... هر دو گروه در سطحی نگری و ساده انگاری همسان اند.

رگه هایی روشن از برخی اندیشه های باب امروز را در بحث های گذشتگان خود داریم که متأسفانه کمتر مورد نقد و ارزیابی بی طرفانه و جدی و عالمانه قرار گرفته است. وجود این رگه ها البته نماینگر گرایش های کلی مشترک و توجیحات عقلانی مشابه در میان اقوام و ملل است. اما این نیز سودایی خام و توقعی نابجاست که در درک و تحلیل و تبیین مفاهیم و مشکلات امروزی را در گذشته های دور دست بجوئیم و شرایط زمانی و مکانی حاکم به سیر اندیشه ها را نادیده بگیریم.

از دو تالیف مذکور به گونه ای در راهیابی و مسیر تحقیق حاضر استفاده شده و عمده تر اینکه بعنوان پیشینه تحقیق یا به عبارتی مروری بر ادبیات تحقیق استفاده شده است.

8-1 تعریف مفاهیم

در بخش تعریف مفاهیم ابتدا به ریشه یابی واژه عدالت پرداخته و سپس معنای لغوی و اصطلاحی آن و عدالت اجتماعی را بیان خواهیم کرد.

یکی از دشوارترین بحث ها در باره عدالت، بحث ابهام در تعاریف و معانی آن است. بدیهی است تبیین معانی عدالت و مترادف ها و کلمات متضاد آن، به تنویر و ایضاح مباحث، در باره این مفهوم کمک شایانی خواهد کرد.

زبان عربی، به خاطر غنای گسترده برای برخی واژه ها بیش از ده مترادف دارد و واژه عدالت نیز واجد چنین مترادف هایی است. بنابراین برای هر جنبه ای از عدالت لغات متعددی وجود دارد که شاید مهمترین آن ها لغات زیر باشند:

قسط، قصد، استقامت، وسط، نصیب، حصه، میزان، انصاف و غیره. متضاد کلمه عدل، املائی تغییر یافته و مشتق از واژه عدل که معنی منفی آن را مشخص کند، نیست. آنگونه که **injustice** لغت مخالف **Justice** در انگلیسی است، بلکه لغت کاملاً متفاوتی است که «جور» نامیده می شود. البته برخی مانند اسحاق بن حنین نیز در ترجمه کتاب اخلاق نیکو ماخوس ارسطو از کلمه «لاعدل» هم به جای متضاد عدل استفاده نموده است. (اخوان کاظمی، 1382، ص41)

هم چنین مترادف های متعددی برای جور وجود دارد که بعضی از آن ها معنای متفاوت را بیان می کند، مثل ظلم، طغیان، میل، انحراف، و غیره. گرچه واژه «ظلم» به عنوان متضاد کلمه عدل کاربرد بسیاری در آیات و روایات و آرای اندیشمندان داشته است.

از لحاظ لغوی «العدل» اسم مجردی است به معنای راستی، درستی، دادگری، داد، نظیر، همتا، مثل و شاهد می آید که جمع آن «اعدال» است. همچنین عدل به معنای دیگری از جمله لنگه، کیل، پیمان، پاداش، میانه روی، مساوات، برابری، کارمیانه و راست ایستادن نیز می آید. (اخوان کاظمی، همان منبع، ص42)

کلمه عدل به معنای مثل، مانند، قیمت، ارزش، لنگه و کلمه عدل به معنای مساوات میان دو لنگه بار همانند یا دو همآورد می باشد. «اعتدال» واجد معانی راستی، میانه روی، راست شدن، صاف شدن است. مؤلف لسان العرب، اعتدال را حالتی متوسط بین دو حالت در کمیت و کیفیت و هرآنچه که متناسب است و متعادل می داند، همانند روزی که هوا خوب است یعنی معتدل بوده و نه معتدل «

”خدوری از نظر لغوی پنج معنا برای عدل در نظر گرفته است:

اول: راست کردن یا راست و درست قرار گرفتن و نشستن، اصلاح کردن و یا ایجاد تغییر.

دوم: گریختن، یا منحرف شدن و یا برگشتن از یک مسیر غلط به مسیر صحیح دیگر.

سوم: برابر، معادل هم رتبه و همانند بودن، یا برابر کردن.

چهارم: توازن یا تعادل ایجاد کردن، یا موزون بودن.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

سرانجام عدل یا عدل ممکن است به معنای «مثال» یا شبیه باشد.» (همان منبع، ص 28)

یکی از فرهنگها در شرح معنای لغوی عمل می نویسد:

«عدل یعنی معادل، متعادل، حد وسط، ضد جور، و شایسته گواهی دادن یعنی عادل، داد دهنده، پیمانہ،

پاداش و ... در حکمت عملی، عدل مقابل ظلم است و به معنای احقاق حق و اخراج حق و اخراج حق از

باطل است و امر متوسط میان افراط و تفریط را نیز عدل گویند. (به نقل از سجادی، 1375، ص 470)

فرهنگی دیگر در این باره آورده است:

«عدالت در لغت به معنای راستی (استقامت) و در شریعت به معنای راستی در راه حق و دوری از مانع و

برتری دادن عقل بر هواست ... عدالت از این جهت که مصدر است مترادف عدل است و عدل عبارت است از

اعتدال، راستی و میل به حق، و حدود وسط بین دو طرف افراط و تفریط است» (به نقل از صلیبا،

1366، ص 461)

در مبحث مفهوم عدالت مراجعه مجدد به معجم لسان العرب مفید است. ابن مقطور در تألیف خویش در

باب مفهوم عدل بیان می دارد که آنچه در نفوس انسانی، مایه اعتدال و مرتبی و استقامت و انتظام می شود،

عدالت است و چنین انسانی مستقیم و راست و درست است. متضاد آن جور است. جور در اینجا مغایر راستی،

درستی و اعتدال بوده و به معنای انحراف است.

دو معنای لغوی «راست» و «انحراف» در معانی اصطلاحی راستی و نادرستی گنجانده شده است. نیاز به

گفتن نیست که مفاهیم درست و نادرست به طور الزامی در اصطلاحات «عدل» و «جود» قرار دارد؛ زیرا این دو

اصطلاح اغلب در کلی ترین معنا استعمال می شوند، به گونه ای که ارزشهای اخلاقی و مذهبی را در بر می

گیرند. مفهوم عدل به معنای درستی و راستی، معادل مفاهیم منصفانه و انصاف است که شاید به طور دقیق تری

در اصطلاح استقامت یا مستقیم و راست بودن بیان شده اند.

هم چنین مفهوم عدل نیز به برابری یا ایجاد مساوات و به معنای مساوی داشتن چیزی با چیز دیگر به کار می رود. این معنا ممکن است در اصطلاح به گونه ای کیفی یا کمی بیان شود. عدالت مذکور در حوزه کیفی به معنای اصل مجمل «برابری» است که در بردارنده معانی تساوی در مقابل قانون یا داشتن حقوق برابر است. همانگونه که این مضمون در آیه شریفه: «انا المؤمنون اخوه» یعنی «همانا مؤمنان برادر هم هستند» آمده است. (اخوان کاظمی، منبع پیشین، ص 35)

سرانجام ممکن است گفته شود که مفاهیم موازنه، میانه روی و اعتدال در لغات تعدیل قصد و وسط گنجانده شده اند؛ اولی که از نظر لغوی به معنای اصلاح یا میزان کردن است و مفهوم توازن را بیان می کند، دومی و سومی که از نظر لغت به معنای میانه یا حد وسط بین دو طرف هستند، متضمن میانه روی و اعتدال است.

اما در آیات قرآن نیز برای واژه عدل معانی مطرح شده است. در تفسیر نمونه آمده است که خدا در آیه 90 سوره نمل می فرماید: ان الله یامر بالعدل و الاحسان و ...

پس عدل یعنی: قانونی است که تمام نظام هستی بر محور آن می گردد و آسمانها و زمین و همه موجودات با عدالت بر پا هستند. و عدل در اصطلاح به معنای آنست که هر چیزی در جای خود باشد، بنابراین هرگونه انحراف، افراط، تفریط، تجاوز به حقوق دیگران بر خلاف اصل عدل است.

عدالت اجتماعی

مسئله عدالت از دیرباز جزء مهمترین مباحث و دغدغه های بشر و ادیان الهی و اندیشمندان اجتماعی بوده است. عدالت اجتماعی را می توان بزرگترین هدف از تشکیل حکومت اسلامی تلقی کرد. بعثت پیامبران و تشریح ادیان به منظور تحقق قسط و عدل، با مفهوم وسیع کلمه در نظام حیات انسان بوده است، تا آنجا که رسول خدا(ص) نقل شده است: «کشور با کفر می ماند، اما باظلم ماندنی نیست».

عدالت اجتماعی و سیاسی به قدری با اهمیت است و به سرنوشت ملت ها و دولت ها پیوند خورده که هیچ ملت و مکتب و اندیشمند سیاسی و اجتماعی آن را نادیده نگرفته است و حتی حکومت ها و حکام جور نیز سعی داشته اند که ریاکارانه، خود و نظامشان را متصف به آن بدانند و هدف خود را عدالت اعلام کنند. (همان منبع، ص 75)

در کتاب آراء اهل المدینه الفاضله فارابی بحثی درباره عدالت هست که با اشاره به نابرابری های طبیعی آغاز می شود:

انسان ها در طبیعت یکسان آفریده نشده اند. برخی از افراد و جماعات ضعیفتر و برخی دیگر نیرومندترند. پس اقتضای طبیعت این است که ضعیفترها مقهور و مغلوب قوی ترها باشند و عدالت طبیعی در مورد زیر دست آن است که زیر دست باشد. همچنین عدالت طبیعی در مورد زیر دست همان زیر دست اوست. اما تعریفی که ابن مسکویه از عدالت می دهد این است که وی می گوید:

«اشتقاق این اسم دلالت بر معنای آن دارد چراکه واژه عدل (لنگه) در مورد بارو واژه اعتدال در مورد سنگینی و واژه عدالت در مورد اعمال انسانی از معانی برابری می آیند و برابری برترین نسبت ها در علم ریاضی می باشد.»

اما عدالت اجتماعی که در تفسیر آیات قرآنی آمده است، چنین است:

به تناسب دستورهایی که در آیات قرآنی در باره اجرای عدالت آمده است در موارد خاص مثل یتیمان، همسران و ... در آیه ذیل یک اصل اساسی و یک قانون کلی درباره اجرای عدالت در همه موارد بدون استثناء ذکر می کند و به تمام افراد با ایمان فرمان می دهد که قیام به عدالت کنند. «یا ایها الذین آمنوا قوامین بالقسط» (آیه 135 سوره نساء)

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

یعنی در هر کار و عصر و زمانی قیام به عدالت کنید که در این عمل خلق و خوی شما و انحراف از آن بر خلاف طبع و روح شما گردد. در تفسیر نمونه استاد مکارم شیرازی از گفته های مذکور بعنوان عدالت اجتماعی یاد کرده اند.

حضرت علی (ع) نیز در نامه مالک اشتر می فرماید: «ثم الله الله في طبقه السفلى» «یعنی خدا را خدا را در طبقه پائین دست مردم» ملاحظه می شود که این نگرش (در رسیدگی به طبقه پائین) یک نگرش اجتماعی است و نشان دهنده این است که حضرت علی (ع) به مسئله عدالت، نگاهی اجتماعی داشته است. (افروغ، 1379، ص 136)

اما آنچه که به عنوان عدالت اجتماعی در دایره المعارف علوم اجتماعی آمده است اینست که: عدالت اجتماعی مفهومی وسیعتر از عدالت اقتصادی است و شرایطی را می رساند که در آن هر عضو جامعه بر مبنای میزان کارش، امکانات فکری و جسمانی اش از فرصتهای مناسب در راه گسترش و شکوفائی توانائیهای خود برخوردار می شود. (ساروخانی، منبع پیشین، 411)

فهرست منابع

- 1- اخوان کاظمی، بهرام؛ عدالت و اندیشه های سیاسی اسلام؛ چاپ اول؛ قم؛ دفتر تبلیغات اسلامی (بوستان کتاب قم)؛ 1382
- 2- افشون، مهرداد؛ اردیبهشت 80؛ عدالت اجتماعی، اختلاف طبقاتی و محرومیت زدایی از دیدگاه حضرت علی (ع)؛ آیینه گفتگو؛ شماره 2؛ دوره دوم.
- 3- اسفندیاری، محمد؛ دی ماه 80؛ عرفان؛ عدالت، آزادی؛ نواندیشی دینی (راه سوم)؛ شماره اول؛ سال اول؛ ضمیمه ماهنامه روزنامه انتخاب.
- 4- ساروخانی، باقر؛ درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، جلد دوم؛ چاپ اول؛ تهران؛ انتشارت کیهان؛ 1375
- 5- شمسینی غیاثوند، حسن؛ دی ماه 80؛ گفتمان عدالت در اندیشه ساسی غرب؛ نو اندیشی دینی (راه سوم)؛ شماره اول؛ سال اول.
- 6- عمید، حسن؛ فرهنگ یکجلدی عمید؛ تهران.
- 7- کرم اللهی، نعمت الله؛ جزوه درسی روش نظری؛ دانشگاه باقرالعلوم؛ قم؛ بهار 1381.
- 8- کیکلون، آر.جی؛ دی 80؛ روبرت نازیک؛ علیه عدالت توزیعی؛ نواندیشی دینی (راه سوم)؛ فیروزه درشتی؛ شماره اول؛ سال اول.
- 9- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه جلد سوم؛ چاپ یازدهم؛ قم؛ مدرسه الامام علی (ع)؛ بهار 76.
- 10- زکریایی، محمد؛ سفرسبز (مجموعه مقالات)؛ چاپ اول؛ تهران؛ انتشارت الهام؛ تیر 1374.
- 11- موحد، محمدعلی؛ در هوای حق و عدالت، از حقوق طبیعی تا حقوق بشر؛ چاپ اول؛ تهران؛ نشرکارنامه؛ 1381.
- 12- افروغ، عماد؛ نگرش دینی و انتقادی به مفاهیم عمده سیاسی؛ چاپ اول؛ تهران؛ مؤسسه فرهنگ و دانش؛ 1379